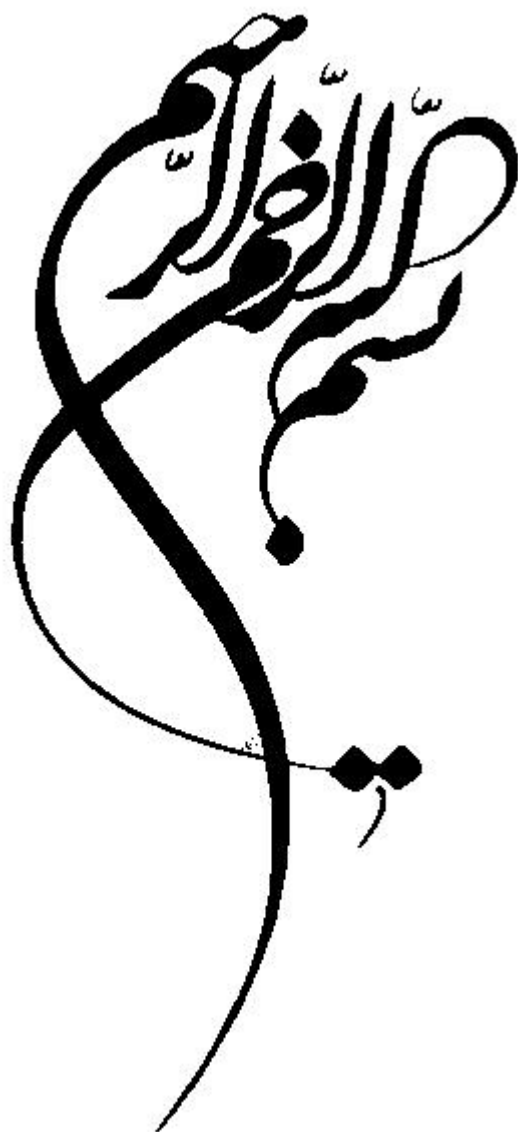




نگاهی به مقام امام حسین (ع)

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 1

[سخن ناشر]

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 2

ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين حبيب الهنا وطبيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 3

وعلی اهل بیت الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین

تعبیر امام عصر (عج) از امام حسین (ع) به مولای ما

وجود مبارك امام زمان (عج)، در نامه‌ای به قاسم بن علاء همدانی که اهل یمن بود و وکیل وجود مبارك امام عسگری (ع) در امور دین و دنیای مردم، می‌نویسد: قاسم بن علاء! پنجشنبه روز سوم شعبان روز، ولادت مولای ما، حضرت حسین بن علی (ع) است. «1» این که امام زمان (عج) می‌فرماید: (مولای ما) و نمی‌فرماید: (مولای من)، آیا منظور از (مولای ما)،

(1) 1. سید بن طاووس حسنی، اقبال‌الاعمال، ج 2، ص 33.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 4

همه اهل‌بیت: از امام سجاد (ع) به بعد و همه شیعیان هستند؟ این قابل تحقیق است؛ چون امام (ع) جمع را در این نامه در نظر داشته است، عبارت: (مولای ما) به کار می‌برند تا خودشان را هم در این نامه جزو جمع به حساب آورند. آن وقت باید سراغ عنوان این جمعی رفت که وجود مبارك حضرت اباعبدالله حسین (ع) مولای آنهاست. در برابر کلم (مولا) در قرآن، روایات و فقه، کلم (عبد) آمده است. در دعای کمیل، چند بار امیرمؤمنان خطاب به پروردگار دارد، (الهی)، (سیدی) و (مولای). آن کسی که در برابر مولا است، عبد می‌باشد. البته، مقام عبودیت در برابر مولویت حق، مسأل ویژه‌ای است. در آنجا، (مولا)، خالق عبد، رازق عبد، و ربّ عبد است. دنیا و آخرت عبد، در اختیار مولای آن عبد است، ولی مسأله مولا و عبد در غیر خدا، معنایش این است که سرمایه‌داری آمده و افرادی را با هزینه کردن و سرمایه دادن، خریده است و آنها در خدمت او هستند؛ آنها برای او کار کرده و

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 5

زحمت می‌کشند، و مولا هم در مقابل زحماتشان، به آنان نظر، توجه و لطف دارد و زمانی هم می‌رسد که مولا برای خدا رو به عبدش کرده و می‌گوید: **(أَنْتَ حُرٌّ لِرُوحِهِ اللَّهِ)**: من به خاطر خدا، تو را از آن زحمت، از آن رنج، از آن مرارتی که برای من می‌کشی، آزاد کردم و اکنون تو آزادی، پس راحت باش!

آیا وجود مبارك امام عصر (عج) می‌خواهد بگوید: حسین بن علی (ع) بعد از این که به دنیا آمده، با آن هزینه‌ای که کرده، هم ما را از دست کفر، ظلم، بدبختی، تیرگی و تاریکی خریدار است و ما عبد او شدیم، و باید منتظر بمانیم تا خدمات ما مورد قبول او قرار بگیرد و در روز قیامت ایشان به پروردگار بگوید من می‌خواهم هر کس را که در مدار عبد بودن مولویت من قرار گرفته، آزاد کنم تا مصائب قیامت، مشکلات قیامت، دوزخ قیامت، متوجه او نشود؛ چون پروردگار عالم هم بنا دارد خواست ابا عبدالله (ع) را مطلقاً رد نکند.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 6

مردود نشدن دعای امام حسین (ع) به صورت مطلق

البته، خداوند متعال این وعده مردود نشدن دعا را به صورت مطلق برای هیچ پیغمبر و امامی ضمانت نکرده است. در متن قرآن، در سور مبارکه توبه است. البته، داستانی اتفاق افتاد که این آی شریفه نازل شد. داستان هم این‌طور که شیعه و سنی نوشته‌اند، این بود که جوانی که به عنوان شأن نزول این آیه است، جوانی پاک، مؤمن و متدین بود که در جنگ احد شهید شد، و شهادت او هم مربوط به صبح عروسی‌اش بود. او پیش از شهادتش خدمت رسول خدا (ص) آمد، و به پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) که به خاطر ایمان این جوان و ارزشش، خیلی به این جوان علاقه داشت، عرض کرد: پدرم از دنیا رفته و من هم می‌دانم که شما نظری به این پدر من نداشتید؛ چون پدرم باطن خبیث، آلوده و زشتی داشت. شما اگر بر جنازه او حاضر نشوید و نماز نخوانید، من می‌ترسم خانواده ما

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 7

انگشت‌نما شوند، و این مسأله هم برای من سنگین و سخت است.

حضرت فرمود: بروید جنازه‌اش را بیاورید تا من بر او نماز بخوانم. آن جنازه را تشییع کردند و به کنار مسجد آوردند. رسول خدا (ص) بیرون آمد و بر آن نماز خواند. دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا (ص) که نداریم؟ کمیت نماز ما با رسول خدا (ص) یکی است. ما در نماز میت پنج تکبیر می‌گوییم، و رسول خدا (ص) هم پنج تکبیر می‌گفت؛ همان‌طور که رسول خدا (ص) صبح دو رکعت نماز می‌خواند، ما هم این نماز را دو رکعت می‌خوانیم و هر چیزی که رسول خدا (ص) در این دو رکعت نماز صبح می‌خواند، ما هم می‌خوانیم؛ کمیت نمازهای ما با نمازهای رسول خدا (ص) مساوی است. دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا (ص) که نداریم؟ فرق بین نمازهای ما و پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام (ص)، در کیفیت است؛ یعنی دو رکعت نماز صبح او را پروردگار عالم در يك کفه بگذارد، و کل نمازهای جن و انس را در يك کفه

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 8

دیگر بگذارد، کفه نماز ایشان سنگین‌تر خواهد بود، به خاطر باطن نمازش که برای ما هم روشن نیست.

بعد از تکبیر چهارم، ضرورتاً و به صورت واجب، نمازگزار میت باید بگوید: **(اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُدَا الْمَيِّتِ)**. این دعا درحالی که دعاکننده هم پیغمبر (ص) است و در نتیجه، کیفیت دعا هم بی‌نظیر می‌باشد، به محض این که پیغمبر (ص) تکبیر پنجم را گفت و نماز تمام شد، جبرئیل (ع) با این آیه نازل شد: **(اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)** «1»: حبيب من! چه تو به جانب من دست به دعا برداری و از من بخواهی این قبیل مرده‌ها را بیامرزم، و چه چنین درخواستی را از من نکنی، خواستنت یا نخواستنت برای من مساوی است، من تا به ابد چنین افرادی را

(1) 1. توبه: 80.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 9

نمی‌آمرزم؛ یعنی این دعای تو در مورد چنین افرادی مردود است. «1» اما نسبت به حضرت سیدالشهداء (ع)، اراد حق این است که هرگز دعای او را رد نکند. این يك امتیاز و يك ویژگی حضرت سیدالشهداء (ع) است. البته، حضرت سیدالشهداء (ع) مورد دعا را می‌داند، اما اگر اتفاقاً در موردی که به نظر می‌آید قابل اجابت نیست و ایشان وارد دعا

بشوند، اجابت قطعی می شود. آن وقت مقام روحی، محبت، عشق، نرمی و کرامتشان تا جایی است که مرحوم ملا آقای دربندی¹ که از مراجع شیعه بود و در زمان حیاتش، سالی شش ماه در تهران به سر می برد و شش ماه هم در کربلا، در زمانی که در کربلا به سر می برد، بعد از نماز صبح تا اذان ظهر به حرم آمده و فقط گریه می کرد در حالی که هیچ کتاب دعایی را هم با خودش نمی بُرد. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر ناهار می خورد و کمی استراحت، و بعد دوباره به حرم کنار ضریح می رفت و تا اذان مغرب گریه می کرد و این گریه بند هم نمی آمد.

(1) 2. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 1، ص 302.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 10

در این شش ماه هم فقط يك درخواست از ابا عبدالله (ع) داشت و شش ماه برای اجابتش گریه می کرد و درخواستش هم این بود: حسین جان! برای دل خوشی ما، به حقّ مادرت زهرا، از تو می خواهم در قیامت از شمر نگذری؛ چون آن چیزی که من درباره تو می دانم این است که تو در عفو نمودن، چه کسی هستی؟ ترسم این است که همین که در قیامت وارد بشوی، بگویی، خدايا! از قاتل من بگذر.

امروز سوم شعبان که روز ولادت مولای ما ابا عبدالله حسین (ع) است درباره معنای کلمه مولا بحث می کنیم که مولا یعنی چی؟ و این که عبد یعنی چه؟ و این که روز آزادی عبد با اشاره مولا یعنی چه؟ این را باید از متخصصان خیلی متخصص پرسید. سواد من در حدّ طلبگی معمولی است و بیش تر از آن را نمی دانم و اصلاً نمی فهمم.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 11

هیچ قلم و مُرگِی برتر از خون حسین (ع) نیست

مطلب دیگری که در این روز فرخنده باید بگویم، این است که رسول خدا (ص) می‌فرماید، هیچ کار نیکی در تمام عالم وجود، بالاتر از شهادت در راه خدا نیست، هیچ کار نیکی. «1» در روایت دیگری که هم اهل سنت و هم شیعه آن را از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند، حضرت چنین فرمود: مُرْگِی که عالمان دین برای رساندن دین به مردم به کار می‌گیرند و با آن کتابی، تفسیری، فقهی می‌نویسند، قیمتش از خون شهدا بیش‌تر است. «2» اما حالا باید دید قیمت این مُرْگ، بیش‌تر از خون کدام شهدا است؟ چون در عالم خونی است که خون ویژه می‌باشد و میلیاردها قلم و دریاها مُرْگ، نمی‌توانند با این خون ویژه نسبت برقرار کنند.

(1) 1. شیخ کلینی، کافی، ج 2، ص 248.

(2) 1. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 399- جلال‌الدین سیوطی، درالمشور، ج 3، ص 72.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 12

سلام امام عصر بر خون حسین (ع)، به عنوان خون زنده

خون امام حسین (ع)، خونی ویژه است. امام زمان (عج) از این خون تعبیر به خون زنده «1» کرده و می‌فرمایند: من به این خون زنده، سلام می‌کنم. «2» ما تا حالا نشنیده بودیم. خون زنده خونی پاک است تا وقتی که پنهان است. به محض این که از پنهانی در آمد، نجس می‌شود و نماز با آن باطل است؛ طواف با آن باطل است؛ شاید حکمت آن این باشد که خون در پنهان، دارای گلبول‌های قرمز و سفید متحرک است. وقتی خون بیرون می‌آید، گلبول‌ها از حرکت می‌افتند و فوراً زمینه ظهور میکروب پیش آمده و آن خون نجس می‌شود.

(1). «الْسَّلَامُ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ».

(2) 2. (شیخ حر عاملی، امل‌الآمل، ج 2، ص 257.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 13

اما امام زمان (عج) می گوید: سلام بر این خون‌های زنده، نه خون‌های آدم‌های زنده. خود خون را می گوید، خون زنده. سلام بر این خون‌های زنده؛ این خونی که در کربلا ریخته شده و صاحبش اعلم علمای اولین و آخرین بود.

یعنی این جا نباید پای مُرگب و قلم فقها، مفسرین و حکمای الهی را به میان کشید. علم کل در کنار علم اباعبدالله (ع)، جهل است. این جا بحث علم عالمان و مرکب و دواتشان قابل طرح نیست. خود این خون، مُرگبی شد برای نوشتن همه حقایق تا به قیامت. خود این خون، کتابی است به پهنای آفرینش.

امروز که حضرت امام حسین (ع) به دنیا آمد، جبرئیل (ع) نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خدا می فرماید: این فرزندی که به تو دادم، خزان علم من است، نه خزان علم گذشتگان و آیندگان. يك وقت انسان به حوزه می رود تا استادی را انتخاب کند، و سپس سی سال پای درس آن استاد می نشیند و این گونه علم آن‌ها را به خودش منتقل می نماید. این جا پروردگار می گوید، این مولود

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 14

همین الان که به دنیا آمده، نه در آینده، خزان علم من است.

بنابراین، آن حضرت (ع)، شهید عالم است؛ شهید با معرفت است؛ شهید بصیر است، و علم و دانایی او و خبیری و بصیرتش، از الله است، نه از معلمان بشری.

در این جا پروند این روایت هم بسته شد و معلوم شد این که پیغمبر (ص) می گوید، مُرگب علما از خون شهدا افضل است، منظور خون کدام شهید است.

تحلیل ویژه پیامبر (ص) از امام حسین (ع): حسین از من است و من از او

برادران و خواهرانم! مطلب دیگری که شایسته است در این روز فرخنده بگویم، مطلبی است که خواندن پروند آن و فهمش برای شما، نیاز به این دارد که انسان قاعد بسیار بسیار علمی و قابل بحث اتحاد عاقل، عقل و معقول را هضم کرده باشد. این بحث بحثی است که بیش از سه هزار سال است که

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 15

مورد توجه حکمای الهی می باشد. نتیج این بحث چنین است که: وجود انسان ها در حرکات عقلی که برای خدا دارند، با عاقل، با عقل و با معقول؛ یعنی آنچه از معرفت و معلومات که عقل آن را گرفته، متحد می شود.

این روایتی که می خواهم بخوانم، با این پرونده و با این قاعده قابل حل است که البته، توضیح این قاعده، از دست من بر نمی آید، بلکه آن مقداری را هم که بلد هستم و خوانده ام، اگر بخوام بیان کنم، تنها خودم و شما را فقط خسته می کنم.

این روایت را که از رسول گرامی (ص) نقل شده، در کتب سنی دیده ام و شیعه هم آن را نقل کرده است. دربار احدی هم چنین متنی از ایشان نیامده است، جز این که آن حضرت (ص) به امیرمؤمنان (ع) گفت: **(حُكْمُ حَقِی، دُمُكَ دَمِی، حَرْبُكَ حَرْبِی، سَلْمُكَ سَلْمِی)**. «1» اما شگفت آورتر سخنی است که رسول گرامی (ع)

(1) 1. علام مجلسی، بحارالانوار، ج 99، ص 106.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 16

دربار اباعبدالله (ع) فرمودند: **(حُسَيْنٌ مِیَّ وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ)**. «1» این (مِیَّ) دارای بحث خیلی سنگینی است. يك رباعی می خوانم تا شاید فهم این روایت را آسان کند:

داند آن عقلی که او دل روشنی است

در میان لیلی و من فرق نیست

من کیم لیلی و لیلی کیست من

ما یکی روحیم اندر دو بدن «2»

يك خط این رباعی را من به نقل از پیامبر (ص) می گویم: (حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ). «3» حالا باید رفت سراغ پیامبر (ص) و بینیم پیغمبر کیست؟ بزرگان دین با دلیل و با برهان، نه با پند و اندرز، ثابت کردند که وجود مبارك رسول خدا (ص) در این عالم، مقام جمع الجمعی است؛

(1) 2. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص 116 - جلال الدین سیوطی، جامع صغیر، ج 1، ص 575.

(2) 3. مولوی.

(3) 1. همان قبل.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 17

ی

عنی آنچه خدا در بیرون عالم و در باطن عالم دارد، همه را در او خلاصه کرده است؛ یعنی اگر بگوییم پیغمبر هم فرشتگان است، خواهم گفت، او چنین است. اگر بگوییم پیغمبر هم انسانهاست، خواهم گفت، چنین است؛ اگر بگوییم پیغمبر هم زندگان با ارزش عالم است، خواهم گفت، چنین است؛ اگر بگوییم پیغمبر هم ارزشهاست، خواهم گفت، چنین است، و اگر چنین نبود، محال بود این آیه نازل بشود: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**. «1» این آیه دنبال الحمد لله رب العالمین، «2» است. خدا می گوید: من ربّ جهانیان هستم، همین خدا می گوید: پیغمبر، رحمت برای جهانیان است؛ یعنی این قدر به او بخشیده‌ام که اگر کلّ موجودات از سفره‌اش بخورند، سیرشان می کند و از او کم هم نمی شود. آن وقت، پیغمبر می گوید، حسین (ع) نیز این گونه هست.

(1) 2. انبیاء: 107.

(2) 1. فاتحه: 1.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 18

عوض‌های شهادت حسین (ع) در دنیا

مطلب دیگری که شایسته است در این روز بگویم، این است که شهادت چنین انسانی، و این که بیاید جانش را برای خدا بدهد، آن هم در زمانی که برای هیچ پیغمبر و امامی چنین ماجرای پیش نیامده است، حتی برای امیرمؤمنان (ع) زمانی که حسین (ع) جانش را برای خدا داد، زمانی بود که اگر او جانش را هزینه نمی‌کرد، چراغ نبوت هم انبیاء، چراغ توحید و چراغ ارزش‌ها برای ابد خاموش می‌شد. او از طریق شهادت، حلق اتصال بین توحید، نبوت، ارزش‌ها و انسان‌هاست. نمی‌دانم قیمت این شهادت را گرفته‌اید. شهادت این شهید ویژه است، او خزان علم‌الله است و عبارت (حُسَيْنٌ مِنِّي)، از سوی پیامبر (ص) درباره‌اش گفته شده است. خون، خون زنده است. او در زمانی شهید شده که اگر شهادتش نبود، چراغ نبوت و ارزش‌ها، برای ابد خاموش می‌شد.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 19

حالا اگر در این دنیا بخواهند عوض این شهادت را به او بدهند، فکر می‌کنید چه باید بدهند. می‌گویند در مثل مناقشه نیست. چاره‌ای نیست جز مثل زدن. بر مکان اصلی شهر، زمینی هزار متری است که قیمتش از هم زمین‌های شهر بیش‌تر است. شهرداری صاحب زمین را دعوت می‌کند و می‌گوید، به مقدّسات سوگند، نمی‌خواهیم ظلم کنیم، و نمی‌خواهیم حقی را از بین ببریم، حالا ما این زمین را به نفع مردم شهر لازم داریم. می‌دانیم قیمت آن هم متری دو میلیون تومان است، ما واقعاً برابر ارزش این زمین معوّض می‌دهیم و کم هم نمی‌گذاریم. الآن هم پولش را می‌دهیم و به صورت نقد. حالا این مُعَوِّض را پول بدهیم یا نه، پنج هزار متر زمین را در بهترین نقطه شهر بدهیم که جبران این هزار متر را بکند؟ انتخاب با شما است.

من تا حالا در روایات و آیات، کلمه مُعَوِّض و عوض را در چنین مسأله ویژه‌ای ندیدم. فقط درباره اباعبدالله حسین (ع) است که امام زمان (عج)

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 20

می‌فرماید: (الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ) «1» مُعَوِّضٌ نه نسبت به خود اباعبدالله (ع)، مُعَوِّضٌ نه نسبت به نمازهایش و روزه‌هایش، نه نسبت به این که فرزندی مثل زین‌العابدین و علی‌اکبر 8 را تربیت کرده است، نه چنین نیست. این مُعَوِّضٌ، فقط قیمت خورش در دنیا است و به قیمت آخرت آن کاری ندارند: (الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشِّفَاءُ فِي ثُرَيْيَةِ وَ الْقَوْرُ مَعَهُ). «2»

وقتی که اباعبدالله (ع) خورش را هزینه کرد، عجیب است که امام صادق (ع) می‌فرماید در کربلا حضرت امام حسین (ع)، خورش را، نه به خدا صدقه داد؛ نه آن را انفاق کرد؛ نه آن را عطا کرد و نه با آن معامله کرد؛ بلکه ایشان درباره این خون می‌گوید: (بَدَلٌ مُهَجَّتُهُ فَيْكَ) «3»: این خون را به

(1) 1. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهّد، ص 826.

(2) 2. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهّد، ص 826.

(3) 1. شیخ جعفر بن محمد بن قولویه، کامل‌الزیارات، ص 401.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 21

رایگان به تو داد و گفت من در مقابل این خون، هیچ نظری جز رضایت تو ندارم.

امام زمان (عج) می‌گوید، وقتی خدا این خون را گرفت، گفت: من قیمتی‌ترین شیء را از حسین بن علی 8 گرفتم؛ برای همین عدالتم اقتضا می‌کند، معوّضش را به او بدهم. امام زمان (عج) می‌گوید، هر يك از ما نه امام بعد از حسین (ع)، از امام زین‌العابدین (ع)، با وزنی که دارد، امام باقر (ع)، با وزنی که دارد، امام صادق (ع)، موسی بن جعفر (ع)، حضرت رضا (ع)، حضرت جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام عسکری (ع) و من، يك بیست و هفتم مُعَوِّضٌ خورش هستیم. من فکر نمی‌کنم آسمان‌ها و زمین طاقت حلّ این مسأله را اصلاً داشته باشند. حلّ آن برای ما خیلی مشکل

است، این مسأله از قبیل این سخن حق تعالی هست: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ). «1» ما نه تن با هر مقامی

(1) 1. حشر: 21.

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 22

که داریم، در مجموع، تنها يك سوم عوض آن خونیم.

من از سنگینی این مسایل، واقعاً قلبم در فشار قرار گرفته است. نمی دانیم امام حسین (ع) کیست؟ واقعاً نمی دانیم. پس خدایا! به ما محبت کن و او را به ما بشناسان؛ ما نسبت به ایشان جاهلیم و نمی دانیم او کیست.

و اما مُعَوِّض دوم که يك سوم دیگر مُعَوِّض خون امام حسین (ع) می باشد، این است که شخص پروردگار خوردن هر خاکی را از زمان آدم تا قیامت، و به طور کلی، خوردن همه خاکها را حرام کرده است؛ چنان چه اگر خدای ناکرده، زلزله پیش بیاید و قبر پیغمبر (ع) خراب بشود و دوباره بخواهند لحد ایشان را بچینند، اگر بگویند: مقداری خاک زیر صورت ایشان را یا خاک زیر صورت زهرا (س) را برداریم و به مریضمان بدهیم، حرام است، اما اراد خدا به این تعلق گرفت که یکی از داروهای این عالم هستی را، نه خاک زیر صورتش را، چون صورتش آنجا نیست، و نه

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 23

خاک زیر گلوی برید او را، بلکه خاک قبرش را قرار دهد. «1» امام زمان (عج) می گوید، این هم يك سوم عوض که خدا از حرمت حرامش دست برداشت و گفت، خاک حسینم، حلال است، آن هم برای آن جایی که هیچ کلیدی نتوانست مشکل را حل کند. آن کلیدی را که مشکل غیر قابل حل را حل می کند، خاک حسین من است.

قافله غافل به گذرگاه عشق

آمد و پرسید همی شاه عشق

گفت چه نام است بر این سرزمین

از چه در این جاست دل اندوهگین

گفت یکی نام بود ارض طف

طوفگه عرش برین از شرف

گفت یکی نام بود نینوا

زان دل عشاق چو نی در نوا

(1). قال الصادق 7: «فی طین قبر الحسین، شفا من کل داء و هو الدواء الاکبر (من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 600)، قال ایضاً: «حریم قبرالحسین خمسہ فراسخ من اربعه جوانب القبر» (همان).

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 24

گفت یکی کرب و بلا زد فغان

شه که قف ای قافله عاشقان

بار گشایید که منزل رسید

کشتی عشاق به ساحل رسید

بار گشایید شهیدان عشق

کعبه همین جاست در ایمان عشق

جلو باغ ارم از کربلاست

رونق دیر و حرم، از کربلاست

هر که زده جام - جام بلا

بار گشاید به صف کربلا

کرب و بلا درس وفا می دهد

تربت عشق است و شفا می دهد

اما يك سوم دیگر عوض این است: (وَ الْفَوْزُ مَعَهُ) «1» امام زمان (عج) می گوید، هر کس در دنیا و آخرت، باطنش، ظاهرش و عملش بوی

(1) 1. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص 826.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 25

حسین (ع) را بدهد، به طور یقین، اهل نجات است و شکی در آن وجود ندارد: (وَ الْفَوْزُ مَعَهُ) خدا نگاه و سخن دیگری به اباعبدالله (ع) دارد.

غبار زائر حسین (ع)، نجات بخش است

علام امینی 1 در جلد ششم الغدير نقل می کند پدر و مادری ناصبی، دشمن اهل بیت:، در بحرین زندگی می کردند که بچه دار نمی شدند. آن ها پنج یا ده سال بود که ازدواج کرده بودند. يك شب آن زن و شوهر برای خدا نذر کردند که اگر خداوند متعال فرزندی به آن ها بدهد، هجده و نوزده سالش که شد، او را غرق اسلحه کنند تا در راه کربلا برود و به غارت اموال زوار حسین و کشتن زائرانش پردازد. خدا هم این نذر را قبول کرد. آن ها بچه دار شدند. آن پسر، هجده و

نوزده سالش که شد، پدر و مادرش او را صدا کردند و به او گفتند، ما چنین نذری کردیم. او هم که خودش ناصبی شده بود، قبول کرد. او را مسلح کردند و نشانی راه کریلا را به او دادند. او به راه کریلا رفت و برای انجام

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 26

مقصودش درگودالی پنهان شد. گاهی از آن گودال سر می کشید تا ببیند آیا جمع زواری به کریلا می روند تا او از آن گودال بیرون بجهد و پس از کشتنشان، اموالشان را ببرد. چون روز اول بود، کمی که منتظر ماند، خسته شد و درون همان گودال به خواب سنگینی رفت. در خواب دید که قیامت هست و افرادی آمدند و میچ او را گرفتند و گفتند، به دادگاه بیا، هم قاتلی و هم دزدی. در قیامت راه فراری هم برای کسی نیست. وقتی او را داخل آن دادگاه می کنند، می گویند، این فرد محاکمه ندارد؛ پرونده اش را باز نکنید و او را حجالت ندهید. او هنوز کسی را نکشته است، هر چند نیت آن را داشته، و مالی را هم نبرده، هر چند نیت آن را داشته است. او اهل نجات است؛ چون عده ای از زائران حسین (ع) هنگامی که او خواب بود، آمدند و رد شدند و گرد و غبارشان، بر روی لباس های این فرد ریخته و او اکنون بوی حسین (ع) را می دهد. او نباید به جهنم برود. که ناگهان بیدار می شود و اسلحه اش را دور می اندازد و

نگاهی به مقام امام حسین(ع)، ص: 27

شمشیر و خنجرش را پرت می کند و با پای پیاده به طرف کریلا می دود و به زیارت حرم امام حسین (ع) می رود. «1» علامه امینی 1 می گوید: حسین جان، گرد و غبار زائرت که آدم را از جهنم نجات بدهد، دیگر بودن با خودت با آدم چه می کند؟

این نگاه، نگاه خدا به اباعبدالله حسین (ع) است.

و اما چگونه ما موقعیت امام حسین (ع) در قیامت را بفهمیم؟ وقتی در دنیا نتوانستیم این موقعیت را بفهمیم، آیا در قیامت خواهیم توانست آن را بفهمیم؟ به راستی، ما ورود او را و نگاه به او را در قیامت و محشر نمی دانیم.

(1). البته، این پسر بعداً از علمای بزرگ شیعه شده و ادبیاتش دربار غدیر امیرمؤمنان 7 جزء ادبیات صف اول می باشد و علامه امینی ادبیات علمانه اش را آورده و تفسیر کرده است.

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 28

پیامبر (ص)، اولین زائری که بر حسین (ع) می‌گرید

امروز ولادت مولودی است که هم انبیاء منتظر او بودند؛ مولودی که هم انبیاء در گرفتاری‌ها به او متوسل شدند وقتی حسین (ع) متولد شد، پیامبر (ص) دو بار به خانه فاطمه (س) رفت که نورسیده را زیارت کند. یکبار در همان آغاز ولادت به نزد صفیه بنت عبدالمطلب، عمه‌اش و قابله حسین (ع)، رفت و گفت: ای عمه! فرزندم را بیاور. صفیه گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! چگونه او را به تو بدهم، و من هنوز او را تمیز و پاکیزه نکرده‌ام. حضرت گفت: به کسی که جان محمد در دست اوست، او را خداوند از بالای عرش پاکیزه نموده است، بعد دست‌هایش را گشود و با کف دستانش او را از من گرفت، پس سر نوزاد را به زیر آورد و شروع کرد به بوسیدن شاهرگ‌ها و گونه‌هایش و مکیدن زبانش؛ مثل اینکه داشت غسل و شیر می‌مکید. سپس حضرت (ص) گریه‌ای طولانی نمود. بعد که هشیار شد، گفت: خداوند بکشد قومی را که تو را می‌کشد. صفیه گفت: حبیب محمد (ص)! چه کسی عترت

نگاهی به مقام امام حسین (ع)، ص: 29

رسول‌الله (ص) را می‌کشد؟ حضرت گفت: ای عمه! گروه ستمگری از بنی‌امیه. «1» کمی بعدتر، پیامبر (ص) چون عاشق مشتاقی که بی‌صبرانه منتظر دیداری دوباره با معشوق خود است، باز به دیدار حسین (ع) شتافت. به اسماء، خدمتکار حضرت فاطمه (س)، گفت: پسر را بیاور. اسماء نورسیده را در تکه پارچه سفیدی گذاشت و به نزد پیامبر (ص) آورد. سپس حضرت در گوش راست این نوزاد اذان گفت و در گوش چپ هم اقامه خواند و بعد او را در دامنش گذاشت و گریست. اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، از چه چیز می‌گری؟ پیامبر (ص) گفت: بر پسرم گریانم. اسماء گفت: او که اکنون تازه به دنیا آمده؟ حضرت که جبرئیل (ع) او را باخبر کرده بود، گفت: گروه ستمکاری او را خواهند کشت. خداوند شفاعتم را به آنان نرساند. سپس فرمود: ای اسماء! فاطمه (س) را از این خبر آگاه نکن؛ چون او به تولد او قریب‌العهد هست. «2»

(1) 1. محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیرالمؤمنین 7، ج 2، ص 234.

(2) 1. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 29..